



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان ۹۵

بیست و پنجمین سالگرد تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

علی پیرحیاتی

در آستانه‌ی بیست و پنجمین سال ظهور کشورهای مستقل به جا مانده از اتحاد شوروی سابق نشست یک روزه با عنوان «تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از دیدگاه نمایندگان ایران در این کشورها» در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد. در این نشست دلایل سرآشویی تندبخش‌های مختلف در اتحاد شوروی شناسایی و نیروهای پیشران در روند واگرایی واحدهای سیاسی و قومی برای جدا شدن از شوروی تبیین شد. در پایان نشست همچنین برای سیاست‌گذاری مطلوب برای روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پیشنهادهای ارائه شد. مدیریت این نشست بر عهده عباس ملکی بود.

نشست گپ‌وگفتگو درباره‌ی تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (استقلال‌یافته از اتحاد شوروی) صبح و عصر ۱۷ آذر ۱۳۹۵ در مرکز بررسی‌های استراتژیک برگزار شد. حاضرین این نشست (به ترتیب حروف الفبا) عبارت بودند از:

حسام‌الدین آشنا، سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

محمدجواد امیدوارنیا، کارشناس ارشد مسائل چین

غلامرضا باقری، سفیر سابق ایران در قرقریزستان

علیرضا بیگدلی، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان

محسن پاک آیین، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان

عبدالله حسینی، سفیر سابق ایران در روسیه سفید

محمد رئیسی، سفیر سابق ایران در ارمنستان

محمد رضا سجادی، سفیر سابق ایران در مسکو



مرتضی سرمدی، قائم مقام وزارت امور خارجه

علیرضا شیخ عطارد، رئیس ستاد کشورهای به جامانده از فروپاشی شوروی در وزارت امور خارجه ۱۳۷۰

نادر صدیقی، پژوهشگر سیاست خارجی در مرکز بررسی‌های استراتژیک

عبدالرضا فرجی‌راد، سفیر سابق ایران در نروژ

علی اشرف مجتهد شبستری، سفیر سابق ایران در تاجیکستان

مصطفی مرسلی، معاون سابق وزارت امور خارجه

عباس ملکی، معاون سابق وزارت امور خارجه

سید رسول موسوی، سفیر سابق ایران در تاجیکستان

سید محمدموسی هاشمی گلپایگانی، سفیر سابق ایران در ترکمنستان و ازبکستان

در آغاز نشست حسام‌الدین آشنا سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری دلیل اصلی برگزاری چنین نشست‌هایی را مرور و بازنگری تجربیات گذشته برای رسیدن به تصویری برای آینده دانست و تأکید کرد که برگزاری این نشست در خارج از وزارت امور خارجه را باید به فال نیک گرفت؛ زیرا اکنون پس از ربع قرن، می‌توان نگاهی از بیرون داشت و به گذشته اندیشید و از آن درس‌هایی آموخت. سپس هر یک از حضار به بیان تحلیل‌ها و نکاتی در خصوص موضوع نشست پرداختند که اهم آنها بدون ذکر نام گوینده به شرح زیر است.

انقلاب ایران مهم‌ترین تحول در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در جهان تحت سلطه به شمار می‌آید و از طرف دیگر، فروپاشی شوروی مهم‌ترین تحول در نظام سلطه بود که به دگرگونی نظم جهانی انجامید؛ به عبارت دیگر، یک رویداد بزرگ در ایران و دیگری در همسایگی ایران اتفاق افتاد. ما نسبت به استقلال کشورهای اتحاد شوروی دیرهنگام واکنش نشان دادیم و پس از اینکه استقلال آنها رسماً اعلام شد، آن را پذیرفتیم. از جمله دلایل این مسئله این بود که آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ به مسکو سفر کرده بود و ما روابط عمیقی را که بسیار متفاوت با روابط ما با شوروی در دوران جنگ بود، آغاز کرده بودیم، لذا هنگام استقلال این کشورها، نگران تیرگی رابطه خود با روسیه بودیم؛ دیگر اینکه ما بنا به گفته امام خمینی، به فروپاشی کمونیسم اعتقاد داشتیم، اما انتظار نداشتیم نظام سیاسی شوروی دچار فروپاشی شود. به هر حال، از زمانی که استقلال آنها را به رسمیت شناختیم، سعی کردیم تسلط روسیه را بر آنها کاهش دهیم. تلاش رئیس‌جمهور وقت، هاشمی رفسنجانی بر آن بود که تجارب خود را با این کشورها در میان بگذارد و اولویت‌ها را برایشان مشخص کند؛ البته رابطه‌ی ما با مسکو و رابطه نداشتن ما با آمریکا و همچنین وحشت کشورهای تازه‌استقلال یافته از اسلام‌گرایی، عوامل بازدارنده در این روابط بودند، اما در هر حال، ایران تلاش کرد که این کشورها سریع‌تر به اکو و نیز سازمان کنفرانس اسلامی بپیوندند.

فروپاشی شوروی از بالا به پایین بود

سیاست ایران را در آن سال‌ها معقولانه بود و البته باید خاطر نشان کرد که برخی از این کشورها- مثل قزاقستان و قرقیزستان- روی خوشی به ایران نشان نمی‌دادند. در کشورهای جدید، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی بسیار اهمیت داشت؛ به طوری که گرایش مذهبی را تحت‌الشعاع قرار داده بود، اما ما این مسئله را به درستی درک نکردیم و این باعث شد فرصت‌هایمان به تهدید تبدیل شود، به همین دلیل شاید بهتر بود اقدامات خود را از طریق ارتباط با خود دولت‌ها پیش می‌بردیم.



قاعدتاً می‌بایست سیاستی حساب‌شده در قبال استقلال این کشورها در پیش می‌گرفتیم و لذا تأخیر ایران در به رسمیت شناختن آنها موجه و معقول است، کما اینکه حتی چین هم که با شوروی روابط خوبی نداشت، این کشورها را با تأخیر به رسمیت شناخت. در حال حاضر طرح راه ابریشم برنامه استراتژیک و قوی چین برای سلطه‌جویی در منطقه آسیای میانه است و حتی در آینده از آمریکا هم بیشتر در منطقه سلطه خواهد داشت. به بازیگران خارجی مهم منطقه آسیای میانه باید علاوه بر آمریکا و اتحادیه اروپا، چین را هم افزود.

فروپاشی شوروی از بالا به پایین بود؛ به طوری که یک طبقه اعتقاد به حقانیت خود را از دست داد، حال آنکه در آن دوره برخی سیاستمداران ما بر ایران بزرگ که برخی از این کشورها را در بر می‌گرفت تأکید داشتند، اما ایرانیان ابزار مفهومی خوبی برای تبیین این تحولات نبود.

در پایان جلسه‌ی صبح، در جمع‌بندی مباحث گفته شد یکی از گرایش‌های کلی در سیاست ایران آن است که حتی در برابر تنها یک حادثه یا تنها یک رفتار، واکنش نشان می‌دهیم و بنابراین در آن سال‌ها که صدها رویداد ریز و درشت در این کشورها اتفاق می‌افتاد، وضعیت سیاست‌های ما را می‌توان حدس زد؛ بنابراین ما یک استراتژی واحد نداشتیم و همه‌ی رویکردهایی را که دوستان ذکر کردند، همزمان پیش می‌بردیم. همچنین در حال حاضر ما باید در حوزه‌ی تمدن ایرانی و ارتباطات فرهنگی، به فعالیت بیشتری بپردازیم.

فروپاشی شوروی به دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رخ داد؛ نه به دلیل نقص و کمبود فناوری در جلسه‌ی عصر دلایل فروپاشی شوروی به بحث گذاشته شد و مواردی از قبیل خوددرب‌ترینی نژاد اسلاو (که اکثریت روسیه را تشکیل می‌دهد)، بی‌اعتمادی روس‌ها به سایر اقوام، سیاست‌های نژادی و طبقه‌بندی ظالمانه‌ی اقوام و فقدان تجانس قومی در شوروی از عوامل فروپاشی شوروی عنوان شد. سال‌ها بود که فرهنگ روسی بر کل اتحاد شوروی حاکم بود اما ورود شوروی به افغانستان که عمدتاً با کمک گرفتن از سربازان جمهوری‌های داخل اتحاد شوروی به‌خصوص آسیای مرکزی صورت گرفت، چشم‌وگوش این کشورها را باز کرد و آنها را با کسانی روبرو کرد که از نظر قومی و فرهنگی، نسبت به روس‌ها، با آنها اشتراک بیشتری داشتند.

موقعیت فنی و صنعتی شوروی در سال‌های آخر به‌هیچ‌وجه ضعیف نبود و حتی در بسیاری از موارد، از کشورهای غربی پیشرفته‌تر بود. نشستن هواپیمای یک نفره ماتیاس روست در میدان سرخ حاصل یک تباری بود که اصولاً به نقص فنی سیستم‌های نظامی شوروی مربوط نمی‌شد. فعالیت‌های آکادمیک گسترده‌ای در شوروی انجام می‌شد ولی در نهایت باید گفت به احتمال قوی، فروپاشی شوروی دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته‌است تا نقص و کمبود فناوری.

در پژوهشی که یکی از مؤسسات آکادمیک در چین انجام داده بود، شانزده فرضیه برای فروپاشی شوروی مورد بحث بود که یکی از فرضیه‌ها می‌تواند تصمیم‌آرادی به فروپاشی باشد؛ زیرا اولاً فرزنددومی که مدت کوتاهی قبل از فروپاشی انجام شده بود، خبر از موافقت ۹۰ درصدی مردم با باقی‌ماندن در اتحاد شوروی می‌داد؛ دیگر اینکه برخی تحلیل‌های سیاستمداران شوروی نشان می‌داد قدرت مسلمانان در شوروی در حال افزایش است و ممکن است به‌زودی کل اتحاد شوروی به دست مسلمانان بیفتد و فروپاشی، راه‌حل جلوگیری از این مسئله است؛ عده‌ای نیز به مشکل جمعیتی اتحاد شوروی اشاره می‌کنند که فروپاشی یکی از راه‌های کنترل جمعیت بود.

فعالیت‌های مذهبی ایران در این کشورها چندان تأثیری بر روابط با آنها نداشت؛ زیرا عربستان و ترکیه بیشتر از هر کشور دیگری مشغول چنین فعالیت‌هایی هستند.



عامل اصلی فروپاشی شوروی تقابل دو جناح اصلاح طلب و محافظه کار در سطوح بالای حزب کمونیست بود که در سال‌های آخر شدت گرفته بود. ضعف‌های ساختاری در اتحاد شوروی وجود داشت و در برخی مناطق اقماری حتی تأمین گوشت و نان مردم با مشکلات عمده مواجه می‌شد، حال آنکه بخش عمده‌ی بودجه صرف فعالیت‌های فنی و نظامی می‌شد. در همین حال، رقبای شوروی نیز بیکار نبودند و در نهایت این کشور را به فروپاشی کشاندند.

نقطه ضعف دستگاه دیپلماسی ایران تعدد نهادهای تصمیم‌گیر است

در نشست عصر، مروری بر سیاست‌های ایران در سال‌های پس از فروپاشی صورت گرفت. در زمان فروپاشی، وضعیت ایران در منطقه نسبت به دهه‌ی قبل از آن بسیار بهتر بود؛ صدام که دشمن ایران بود، به کویت حمله کرده بود و گفته‌ی امام درباره‌ی اتحاد شوروی نیز به حقیقت پیوسته بود. در آن زمان دو نگرش وجود داشت: یکی اینکه فروپاشی شوروی برای ایران یک تهدید است، زیرا به برهم خوردن تعادل جهان منجر می‌شود؛ و دیگر اینکه فروپاشی برای ایران یک فرصت است که باید با احتیاط از آن بهره برد و همین نگرش دوم در شورای عالی امنیت ملی دنبال شد.

تصور مردم کشورهای جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، از ایران بسیار اوتوپییایی بود و ما نتوانستیم از این فرصت استفاده کنیم، در زمینه‌ی روابط اقتصادی خود با این کشورها اغلب موفق نبودیم؛ در زمینه‌ی سیاسی، اقدامات خوبی انجام دادیم و البته خیلی فرصت‌ها را هم از دست دادیم؛ در زمینه‌ی فرهنگی نیز - اعم از مذهبی و غیرمذهبی - کارهایی انجام دادیم، اما رقبای ما از ما قوی‌تر بودند.

ایران به مردم مسلمان قفقاز و به خصوص نخجوان که می‌توانست با آنها روابط خوبی برقرار کند، چندان توجهی نکرد. نقطه ضعف بزرگ دستگاه دیپلماسی ایران تعدد نهادهای تصمیم‌گیر است و انتقال تجربیات از نسل‌های قدیمی به نسل‌های جدید ضروری است.

حضور بابک زنجانی در تاجیکستان خدشه به چهره ایران است

اطلاعات موجود در ایران در خصوص کشورهای آسیای میانه اطلاعات رسانه‌ای است و کمتر به عمق قضایا توجه داریم. برخی از اقدامات صورت گرفته در دولت نهم و دهم در تاجیکستان اشتباه بود. حضور باندهای فاسدی نظیر بابک زنجانی در تاجیکستان خدشه به چهره ایران است. در صورت تنظیم رابطه ایران با قزاقستان و ازبکستان به صورت خودکار رابطه ایران با تاجیکستان هم تنظیم خواهد شد. ایران نقش تاثیر گذاری در ایجاد صلح و آرامش در تاجیکستان پس از شروع جنگ داخلی در این کشور داشت. جمهوری‌های آسیای مرکزی هنوز از سیستم متمرکز استفاده می‌کنند و رؤسای جمهور فرمان واجب الاطاعه دارند. مردم ازبکستان از استقلال کشورشان حمایت کردند از جمله به خاطر اسلام چرا که ازبکستان بدون اسلام معنا ندارد. تاشکند مرکز اداره امور دینی آسیای مرکزی بوده و مراکز تصوف از گذشته در ترکمنستان و ازبکستان بوده‌اند. شوروی در آسیای مرکزی بیش از همه ازبکستان را تحویل می‌گرفت. در شخصیت‌های دولتی و حاکمیتی ایرانی در دیدار با رؤسای کشورهای آسیای مرکزی تضاد مواضع متعددی دیده می‌شود و به همین دلیل باید هماهنگی بیشتری بین دیپلمات‌ها، وزرا و سایر مدیران دولتی و حاکمیتی ایران در ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی صورت گیرد.

انصاف ایجاب می‌کند که توازن قدرت ایران و دیگر کشورها در لحظه فروپاشی شوروی را ملاحظه کنیم. رقبای ما در آن موقع قوی بودند. ما منابع محدود و تقاضاهای نامحدود داریم. از ابتدا روابط ایران با قرقیزستان خوب بوده فقط در سال ۲۰۰۵ که رئیس جمهور وقت اصغر آقایف سرنگون شد، یک دوره بی



ثباتی در قرقیزستان شروع شد اما بلافاصله روابط ما با آنها به حالت اول برگشت. بنابر داستان‌های حماسی قرقیز بخصوص مناس که سینه به سینه نقل شده است، مناس معادل رستم در شاهنامه است. قرقیزها معتقدند که ایران و قرقیزستان یک سرنوشت مشترک دارند. تیره‌ای از نسل‌های موجود قرقیزی باید ایرانی باشند. قرقیزها عضو موسس کنفرانس شانگهای هستند و عضویت ایران را تایید می‌کنند. قرقیزستان محاط در خشکی است. همه کشورها با هم بحران‌های مرزی و قومی و سوابق تلخ دارند. قرقیزها همکاری با روسیه را استراتژیک می‌دانند. بعد به همکاری با ایران می‌پردازند. این دو کشور نسبت به یکدیگر عقبه مهم همکاری و تامین نیازمندی‌های یکدیگر دارند.

در کشورهای استقلال یافته از شوروی، ناسیونالیسم و آرزوی استقلال ریشه‌دار و بر رویکرد دینی تفوق داشت. جمهوری آذربایجان ۳ وضعیت را طی کرده است: اول: بحران عظیم اقتصادی در سال‌های نخست استقلال. دوم: در سال‌های ۲۰۰۷ آذربایجان موفق می‌شود اولین درآمد نفتی و گازی خود را به دست آورده و به دلیل افزایش بی‌رویه قیمت نفت ثروتمندترین کشور قفقاز شود. مرحله سوم از ۲۰۱۳ کاهش قیمت نفت و از این دوره آذربایجان هم در پی مقاوم سازی اقتصاد رفت و سرمایه‌گذاری در مسیر ترانزیت، توریسم و حوزه‌های مشترک خزر را در برنامه خود قرار داد به نحوی که رئیس جمهور آذربایجان فرمان مشخص در مورد ترانزیت داد.

آذربایجان و ایران بیش از هر کشوری دیگری دارای مشترکات هستند. به دلیل دخالت کشورهای ثالث آمریکا، ترکیه و اسرائیل و مدیریت‌های نادرست، تا چندی پیش رویکرد تهدید محور در هر دو کشور حاکم بود اما اکنون وضعیت تغییر یافته است و روابط سه جانبه بین ایران، روسیه و آذربایجان در حال تقویت است تا جایی که در سه سال اخیر روسای جمهور دو کشور ۷ بار با هم ملاقات کرده‌اند.

لابی ارامنه می‌تواند تامین‌کننده منافع ایران باشد

در پایان دوره شوروی اکثر مردم خواهان هویت‌های قومی و نژادی و گریز از هویت ساخته شده شوروی بودند. احیای ناسیونالیسم ارمنی حس نوستالژیک اوائل قرن بیستم را به یاد مردم می‌آورد. ناسیونالیسم ارمنی برخلاف سایر کشورهای عضو اتحاد سابق جماهیر شوروی علیه روسیه نبود بلکه علیه ترکیه بوده است. در پی زلزله سال ۱۹۸۸ وقتی دولت شوروی اجازه داد که دیاسپورای ارمنی به ارمنستان رفت و آمد کنند، این کار تحرک و آگاهی مردم را به دنبال داشت. سه عامل اصلی پایداری ارمنی‌ها عبارتند از زبان، کلیسا و ناسیونالیسم. ارمنستان در جوامع بین‌المللی همواره از ایران حمایت کرده و از لابی ارامنه در اروپا و آمریکا می‌توان برای تامین منافع ایران استفاده کرد.

تاسیس موسسه مطالعه فروپاشی کشورها

در انتهای گپ و گفتگو درباره‌ی تأسیس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به عنوان جمع بندی نشست گفته شد بیست و پنج سال از تشکیل کشورهای مستقل مشترک‌المنافع گذشته است و امروز ایران با هر دوازده کشور رابطه دارد؛ در یازده کشور نماینده سیاسی دارد و با هیچ‌یک مشکل سیاسی حادی ندارد. از میان این دوازده کشور، ده کشور حایل میان ایران و روسیه‌اند. تصمیم‌گیری در زمان بحران سخت است و وقت نیز بسیار اندک است. پیشنهاد می‌شود اینک که صد سال از تأسیس و فروپاشی شوروی سپری شده است، موسسه مطالعات فروپاشی کشورها برای یافتن دلایل و عوامل تجزیه و یا فروپاشی کشورهایی مانند اتحاد شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی، و سودان تشکیل شود، همچنین پیشنهاد شد مانند گذشته به ریاست رئیس‌جمهور شورای عالی مناطق آسیای مرکزی تشکیل شود. قره باغ که در همسایگی مرزهای

ایران است همچنان نیازمند یک راه حل است. روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارای ظرفیت‌های بیشماری است. بخشی از این ظرفیت در سفر رئیس جمهور روحانی به جمهوری آذربایجان و همکاری‌های سه جانبه روسیه، ایران و آذربایجان به منصفه ظهور رسید.

